

# مالیات بر ارزش افزوده و



محمد بلوکی پهلشاهی

## حل مشکلات اقتصادی



کارشناسان امور مالیاتی، روسا و مسوولان ارشد و وزرای اقتصاد و دارایی ذیربط چند دهه است با نام غلامرضا حیدری کرد زنگنه آشنا هستند صاحب نظری که سالهای قبل مدیر کلی امور مالی دانشگاههای اهواز را به عهده گرفت و سپس به عنوان ذیحساب نیشکر هفت تپه وظایف خود را ادامه داد. کرد زنگنه بعد از آن معاون هزینه و خزانه استان خوزستان شد و استمرار فعالیت همراه با روز آمد کردن اطلاعات علمی و فنی او موجب شد تا پست های مدیریت کل اقتصاد و دارایی را در استانهای چهارمحال و بختیاری، کرمان و تهران عهده دار شود.

وی تحصیلات خود را با درجه دکترا در رشته اصلاحات مالیاتی و با محوریت مالیات بر ارزش افزوده و معرفی و اجرایی کردن آن با موفقیت پایان داد.

مالیات بر ارزش افزوده، طرحی است که امروزه در بیش از ۱۳۰ کشور دنیا اجرا می شود و کرد زنگنه در عین مطالعه عمیق و تحصیلات دانشگاهی اینک می رود تا این کار ملی را اجرایی نیز بکند.

**برای ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع مناسب درآمد و ثروت در جامعه باید مالیات را از طبقات پردرآمد وصول و به طبقات پایین پرداخت کرد**

**گمرکات، وزارت بازرگانی و دیگر نهادهای ذیربط انجام گرفته است؟ یا خیر؟**  
تا پایان برنامه چهارم قرار است بودجه مملکت از طریق مالیاتها تامین شود و نفت که یک ثروت ملی است و در آمد آن باید خرج پروژه های زیربنایی کشور شود نه صرف امور جاری.

برای ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع مناسب درآمد و ثروت در جامعه باید مالیات را از طبقات پردرآمد وصول و به طبقات پایین به صورت یارانه و یا به صورت مستقیم و یا مستمری همانند طرح شهید رجایی به سالمندان و مستمندان پرداخت شود و یا به صورت غیرمستقیم در مناطق محروم، در قالب پروژه های عمرانی و آبادانی، به کار گرفت، (اصل توانایی و قدرت پرداخت) همان اصلی است که بر می گردد به عدالت اجتماعی و توزیع ثروت در جامعه از طبقات بالا به سطح پایین که این کار از

دکتر حیدری کرد زنگنه اینک معاون وزیر و رئیس کل سازمان مالیاتی کشور است و طرح و تز دانشگاهی وی انقلابی در شفاف کردن هزینه ها و مالیاتها ایجاد خواهد کرد.

چند پرسش از شخص اول سازمان در باره معافیت های مالیات بر درآمد بنیادهای شهید و جانبازان و نیز آستان قدس رضوی و ...، نگاه جدید سازمان به قانون خوداظهاری، نحوه اجرای ماده ۱۸۸، وضع معیشتی کار گزاران مالیات و نهایتاً ماهیت مالیات بر ارزش افزوده، ما را بر آن داشت تا نظرات ایشان را جویا شویم.

**ارزش افزوده یکی از راهکارهای وصول مالیات است که قرار است از ابتدای سال ۸۴ به مرحله اجرا در آید. لطفاً بفرمایید ارزش افزوده چیست، آیا قبل از اجرا، هماهنگی لازم با مؤسساتی چون**



طریق مکانیزم بودجه کشور که بخشی از آن از طریق وصول مالیات است تامین می شود.

سیاست اقتصادی کشور به دو گونه است: سیاست پولی که توسط بانک مرکزی اعمال می شود و سیاست مالی که اصل کلی آن براساس وصول مالیات است. به این ترتیب دولت با افزایش و یا کاهش مالیاتها می تواند جلوی رکود و همچنین تورم کاذب را بگیرد.

در حالی که تورم نقدینگی بالاست و در حالت تعادل عرضه و تقاضا، دولت می باید پولها را به نحوی از مردم گرفته و در جهت انگیزه آنها روانه اقتصاد کشور کرده و قدرت خرید را کم کند. در این بین دولت احساس می کند که مالیاتها را افزایش دهد، در حالت رکود، چون اشتغال و تولید در جامعه کم است وظیفه دولت است که انگیزه سرمایه گذاری را بیشتر کند و برعکس حالت قبل، مالیاتها را کاهش می دهد تا نقدینگی مردم بیشتر شود و اشتغال رونق گیرد. پس مالیاتها اهمی می شود که در عرصه اقتصاد با توجه به نوسانات متغیر پیش می رود. در اصطلاح اقتصاددانان، اقتصاد مثل اسب است و وزیر اقتصاد هم اسب سوار. گاهی باید افسار آن را رها کرده و گاهی باید افسار را کشیده و آنرا مهار کند. ما به دنبال این هستیم که با توجه به ارزش افزوده، منبعی داشته باشیم که نقش مؤثری در (۱) درآمدزایی، (۲) سرمایه گذاری و (۳) عدالت اجتماعی را دارا باشد. ارزش افزوده را حدوداً ۵۰ سال قبل فرانسوی ها و آلمانی ها به اجرا در آوردند و به سرعت در بیش از ۱۳۰ کشور جهان مطرح و مورد استقبال

قرار گرفت. با مطالعه ای که روی ارزش افزوده انجام شده به کمک تیم بررسی و مطالعات، نحوه اجرای این روش مالیات گیری را روی ۱۲۰ کشور چون کشورهای همسایه و چند کشور اروپایی، مورد بررسی قرار دادیم و به نتایج خوبی هم دست یافتیم. در سال ۸۱ لایحه آنرا به مجلس ارائه کردیم که در کمیسیونهای مجلس نیز با اکثریت آرا تصویب شده و قرار است در جلسه علنی مجلس نیز مطرح و مورد تصویب قرار گیرد.

در مالیات های مستقیم، وصول مالیات از درآمد بودلی در ارزش افزوده، اخذ مالیات بر میزان مصرف است که از نوع مالیات غیر مستقیم است. در دنیای امروز به این نتیجه رسیده اند که مالیات بر درآمد انگیزه سرمایه گذاری را کم می کند ولی در مالیات بر مصرف، میزان مصرف را محدود می کند و پس انداز ملی را افزایش می دهند و پس انداز ملی هم سرمایه گذاری ملی را به دنبال دارد.

در جهت تولید و کمک به سرمایه گذاری کشور نیز کارهایی انجام داده ایم برای صادرات، نرخ صفر را در نظر گرفته ایم به طوری که کل کالاهای صادراتی، مشمول مالیات بر ارزش افزوده نمی شوند. در این میان هم کالاهای واسطه ای مشمول مالیات نمی شوند و فقط کالایی که در نهایت تولید می گردد مشمول مالیات شده که این مالیات را هم مصرف کننده پرداخت می کند.

**به نظر می رسد که ارزش افزوده تماماً در جهت مثبت است و ظاهر آیرادی ندارد؟**

تنها ایرادی که بر این نوع مالیات گرفته می شود طبق مطالعاتی که داشتیم تورمزایی آنست. مطالعات ما نشان می دهد در بین ۱۲۰ کشوری که بررسی شده بالاترین نرخها ۲۵ درصد بوده مثل

**به دنبال آن هستیم که با توجه به ارزش افزوده، منبعی داشته باشیم که نقش مؤثری در درآمدزایی، سرمایه گذاری و عدالت اجتماعی دارا باشد**

ترکیه، آذربایجان، فرانسه، آلمان و انگلیس که ۲۳ درصد بوده و پاکستان با نرخ ۱۵ درصد و کمترین نرخ را ژاپن و ویتنام و چند کشور مشابه دارند که ۷ درصد بوده است. کمترین نرخ را که ما پیش بینی کرده ایم ۷ درصد است که علت آن این بود که آثار تورمی آن را از بین ببریم.

در مالیات بر ارزش افزوده معافیت هایی هم در نظر گرفته ایم. در لایحه پیشنهادی ما، ۷۵ درصد کالاهای مصرف خانوارهای دهک پایین را معاف کرده ایم و در کل برای کالاهای اساسی مصرف

**در مالیات ارزش افزوده ۷۵ درصد کالاهای مورد مصرف خانواده های کم درآمد معاف شده اند**

خانوار عمومی، مثل مواد غذایی و پوشاک را که نیازهای اساسی است ۴۸ درصد معافیت در نظر گرفته ایم.

از دیگر خاصیت های خوب این نوع مالیات گیری این است که مبادلات اقتصادی و معاملات را در کشور شفاف می کند. یعنی زنجیره های است از تولید تا مصرف کننده نهایی که اگر حلقه ای مفقود شده وجود داشته باشد، سریع مشخص می شود. در نتیجه فرار از مالیات به حداقل می رسد بدین ترتیب که اگر حلقه ای مالیات پرداخت نکند خسارت به حلقه بعدی وارد می شود. این نوع مالیات گیری سهل الوصول است و هزینه چندان هم برای دولت ندارد.

با این دید پیش بینی کرده ایم که فروشگاههایی که تا صدمیلیون تومان به بالا فروش دارند، شامل طرح شده و فروشندگان خرده پیا مشمول این طرح نمی شوند لذا طبق محاسبات، به نظر می رسد در سال اول اجرای آن، بیش از دوهزار میلیارد تومان برای ما درآمد داشته باشد

**با این وجود امکان دارد که از ابتدای سال ۸۴ شاهد اجرای این پروژه مهم باشیم؟**

به محض تصویب مجلس و ابلاغ آن احساس ما این است که در مدت شش ماه پس از

تصویب در راستای اجرای کار، بتوانیم ارزش افزوده را به مرحله اجرا در آوریم. زیرا یک سری نیرو از سالهای قبل در این زمینه مشغول به کار هستند که ضمن تربیت با متدهای روز دنیا نیز آشنا شده‌اند. همین نیروها و حسابرس‌ها باید فروشنده‌ها و صندوقها را کنترل کنند.

**پیش زمینه‌هایی که لازم است با بقیه ارگانهای ذیربط مثل گمرکات، اتاق اصناف و مدیران اتحادیه‌ها داشته باشید، آیا این هماهنگی صورت گرفته است؟**

وزارت خانه‌های صنایع و معادن و بازرگانی در این مورد دغدغه فکری داشتند که با جلسات متعددی که با آنها داشتیم و همچنین با کمیسیونهایی که در مجلس روی این قضیه حساس شده بودند، به هماهنگی رسیدیم که مالیات ارزش افزوده نه فقط ضد تولید و علیه صنعت و بخش بازرگانی نیست بلکه نفع هم دارد چون از یک طرف حمایت از تولید و تولیدکننده است و هم حامی صادرات در بخش بازرگانی. ضمن اینکه در بخش گمرک ما می‌بایست به یک تعامل بسیار نزدیک دست می‌یافتیم که طی چندین جلسه و سمینار که باز هم ادامه دارند... به این توافق و هماهنگی خواهیم رسید.

**در قانون مالیاتها مبحثی داریم مربوط به حذف معافیت‌های مالیاتی. سوال ما این است که چرا با وجود بخشنامه‌های صادره و دستور وزیر وقت مبنی بر حذف این نوع معافیت‌ها، هنوز این امر در برخی از**

## ما برای اجرای درست فرهنگ مالیات زیربنا و زیرسازی اعتماد متقابل را بنا بر خوداظهاری شروع کردیم که در مقابل، انتظار همکاری داریم

**نهادهای وابسته به نهاد رهبری از جمله استان قدس رضوی، بنیاد شهید و بنیاد جانبازان تحقق نیافته است؟**

در قانون برنامه سوم و در اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم همچنین در قانون برنامه چهارم معافیت‌ها و ترجیحات متاسفانه حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را شامل می‌شود از جمله بخش‌های مختلف تولیدی اقتصادی از پرداخت مالیات معاف هستند، که یکی از این بخش‌ها همین بنیادها و نهاد بودند.

قبلاً از طرف رییس مجلس شورای اسلامی از مقام معظم رهبری درخواست شده بود که این معافیت‌ها حذف شوند که مقام معظم رهبری موافقت مشروط داشتند به این صورت که این نهادها هزینه‌هایی دارند مثل بنیاد شهید که خانواده شهدا را تحت پوشش دارد و یا بنیاد جانبازان که هزینه‌هایی به جانبازان پرداخت می‌کند که اگر دولت در بودجه این هزینه‌ها را منظور کند این دغدغه‌ها

رفع می‌شود، ولی آنها هم باید مثل همه مالیات بدهند. البته از قبل هم این نهادها و ارگانها مالیات می‌دادند ولی مالیات‌های آنان در حساب‌های خاص واریز می‌شده به همین منظور در سال‌های ۸۱ و ۸۲ در بودجه چیزی در نظر گرفته نشده بود ولی در سال ۸۳ حدود چهار میلیارد تومان در بودجه دولت برای این هزینه‌ها منظور گردید و براساس آن صورتجلسه‌ای با دفتر مقام معظم رهبری داشتیم که به تمام نهادها ابلاغ شد و از ابتدای سال ۸۳ تمام نهادها و ارگانهای ذیربط مالیاتشان را به حساب خزانه دولت واریز می‌کنند.

با توجه به تشویق مودیان مالیاتی برای خود اظهاری، به نظر می‌رسد قانون خوداظهاری به گونه‌ای دیگر عرضه می‌شود. در این رابطه به نظر می‌رسد، اتحادیه‌ها نقش موثری دارند و مالیات به صورت توافقی مطالبه می‌شود و به صورت سنتی عمل می‌شود که این مساله با اصل خوداظهاری مغایر است.

خوداظهاری در اجرای ماده ۱۵۸ قانون مالیاتهای مستقیم که اصل پذیرفته شده در دنیاست دیده شده و از لحاظ درجه بندی، کشورهایی بهترین سیستم را دارند که روش خوداظهاری، را پیاده کرده‌اند. مورد مهم در خوداظهاری توجه به فرهنگ کشورهاست مردم هر چه اعتمادشان به خدمات دولت بیشتر باشد به همان نسبت استقبال مالیاتی بیشتر است و اگر مطمئن باشند در ازای آن خدمات می‌گیرند و این مالیات درست و خوب هزینه می‌شود، انگیزه آنان بالا می‌رود.

اصل مهم دیگر در خوداظهاری این است که سیستم مالیاتی باید بانک اطلاعاتی قوی داشته باشد که اگر در خوداظهاری کسی خلاف واقع سخن گفته آنقدر مبارک و مستندات باشد که دست او رو شود و برخورد شدیدی با وی شود. ولی ما این امکانات را نداریم و از این نظر از کشورهای پیشرفته عقب هستیم لذا تا آینده‌ای نزدیک که ما هم این امکانات را داشته باشیم، ناچار از خوداظهاری به شیوه سنتی آن استفاده می‌کنیم.

البته امسال نمونه‌گیری کمتر بود و اصل را بر اعتمادسازی گذاشتیم. ما برای اجرای درست فرهنگ مالیات زیربنا و زیرسازی اعتماد متقابل را شروع کردیم که در مقابل انتظار همکاری را داریم. نمونه‌گیری امسال در حضور نمایندگان و مجامع





اتحادیه‌ها شبیه قرعه کشی بانکها با حضور خودشان انجام شد. در همین مورد با یکی از روسای اتحادیه‌ها بحثی را که داشتیم، گفتیم: من برای احقاق حق شما تمام توانم را گذاشتم که همکارانم خدای ناخواسته تخطی نکرده و رضایتمندی ایجاد شود و گام اول اعتمادسازی را ما برداشتیم و به عنوان یک سازمان پاسخگو وظیفه‌مان را انجام دادیم. حال برای حق و حقوق دولت هم گذشت نداریم و به عنوان کارگزاران نظام حق دولت را هم می‌گیریم. ما به توافق‌اتیمان پایبند بودیم و هستیم و سعی و تلاش ما این است که مالیات درست را مطابق با اصل اعتمادسازی وصول کنیم.

گفته می‌شود شما به نحوه اجرای ماده ۱۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم در شکلی خاص مخالفید. روش درست اجرای ماده مذکور از نظر شما چگونه است؟ آیا در این مقوله هم موفق بوده‌اید؟ در ابتدا باید بگویم من با اجرای ماده ۱۸۱ مخالف نیستم بلکه با نوع اجرای آن مخالفم. توجه داشته باشید تعداد واجدهایی که در زمان مدیریتی من شامل اجرای ماده ۱۸۱ شد، معادل ۲ سال کار

**با اجرای سیستم مالیاتی  
ارزش افزوده پیش بینی  
می‌کنیم در سال اول بیش  
از ۲ هزار میلیارد تومان  
درآمد داشته باشیم**

اجرائی این ماده بود که سابقاً انجام شده است. آنهم در یک شرایط خاص و ظرف مدت ۴ الی ۵ ماه که در نهایت تنش‌زفا و بی‌سر و صدا بود. من در این جهت در فکر این هستم تا به کمک همکاران، پلیس مالیاتی ایجاد کنیم. چرا که بعضاً ضرورت کار ایجاب می‌کند.

ما در این کار سفارش کرده‌ایم که بنا بر اطلاعات درست و نه اخبار واهی بلکه از روی واقعیت و مدارک درست و قطع به یقین، اقدام به اجرای ماده ۱۸۱ کنند. زیرا اقدام غیراصولی باعث فراری شدن افراد مظنون می‌شود. تاکید شده است اگر این افراد جایگاهی دارند. این کار شدنی است و الا اگر صرف اینکه یک شخصی با موبایل فعالیت

چندمیلیاردی کرده تشخیص مالیات دهیم، آن برگ مطالبه به نظر غیراصولی می‌آید. بدین ترتیب دانه درشت‌ها و فروشندگان اصلی رها می‌شوند که یک ضعف درون سازمانی است و باید به آن سر و سامان دهیم.

به نظر می‌رسد وظایف کادر تشخیص، نوعی قضاوت است؛ به قول یکی از دوستانم که از قضات دادگستری است: کار مالیاتی چون با آمار و ارقام در ارتباط است به مراتب حساس‌تر از شغل ماست چرا که در جهت تامین بودجه دولت گام بر می‌دارد. در نگاه بعضی از مدیران سازمان که گاهی عنوان می‌کنند مأموران تشخیص مالیات وضع معیشتی خوبی دارند، که شاید مدنظرشان توجیهی بر عدم فراهم آوردن امکانات رفاهی باشد. در نگاه مردمی هم مأموران مالیات در قالبی خوب و با درآمدی مکفی دیده می‌شوند. این نگاه متأسفانه تاکنون به نظر می‌رسد که تلاعی کتنده جمله آش نخورده و دهان سوخته بوده است.

**سوال اینجاست که کارمندانان نوید چه روزهای خوشی را از شما خواهند شنید، تا به پیشنهادات غیر معقول بی‌اعتنا بوده و با تعهد و انگیزه بالا و بدون دغدغه فکری اقدام به وصول مالیات کرده و در این بین مسئولان کنترل، با توجه به سیاست تشویق و تنبیه سازمان چه تدبیری اندیشیده‌اند که خدای ناخواسته عده‌ای حق دولت را به بهانه پایین بودن سطح دستمزد ضایع نکنند؟**

انگیزه به عنوان محرک قابل اعتنا است. در

همه جای دنیا از یک سرباز بدون انگیزه نمی‌شود انتظار جنگ و یا دفاع داشت. در تمام دنیا با اشاره به حساسیت کاری که شما عنوان کرده‌اید، به مأموران مالیاتی نگاه ویژه دارند. چون به قول شما حقوق دولت در دست‌شان است.

در سفارشی که حضرت علی (ع) به مالک دارد می‌فرمایند که خراج گزاران را به نوعی دیگر نگاه کن و سهمی را از خراج برایشان تامین کن. این سفارش در نامه معروف حضرت به مالک تاکید شده است. با این حال متأسفانه در سازمان برنامه‌ریزی کشور این اعتقاد هنوز جا نیفتاده و باور ندارند که بین وظایف دستگاه‌ها با توجه به نوع کار در حساسیت متفاوت است و با اینکه در آیین‌نامه سازمان پیش‌بینی شده که یک فوق‌العاده شغل خاص را به مأمورین مالیاتی اختصاص دهند، حدود دو سال است که پیگیر آن هستیم تا شاید سازمان برنامه‌ریزی در هیأت وزیران این پیشنهاد را مطرح کند.

خود من اعتقاد دارم یک چشم به همیشه همکاران باید داشت و با چشم دیگر، اصول مالیاتی را نگریست اعتقاد من به تشویق و تنبیه هم‌رنگه ده به یک بوده است که در طی سالهای قبل مدیریت‌تان ام به اثبات رسانده‌ام. در تنبیه هم دلمان می‌گردد ولی این قسمت هم جزء ضروریات است. سفارش کردیم تا آنجا که ممکن است حرمت همکاران را حفظ کرده و خدای نکرده با آبرویشان بازی نکنند و به شکل یک متخلف با آن برخورد نمایند که خفولند توبه بندگان را می‌پذیرد پس حساب ما که چلست.